

## ۷- وضعیت و حقوق شرکتها در بازار مشترک اروپا

### بخش دوم - وضعیت اشخاص حقوقی در بازار مشترک اروپا

اشخاص حقوقی نظیر شرکتهاى تجارى از حیث استقرار و ارائه خدمات در کشور خارجی با اشخاص حقیقى از دو جهت عمده متفاوت هستند:

**الف - شناسائى:** درحالى که امروزه برغم گذشته‌هاى دور بطور طبیعى تمام افراد در ممالک بیگانه مورد شناسائى واقع مى شوند، شناسائى اشخاص حقوقى ممکن است با اشکال مواجه گردد. امروزه هرکس، صرف نظر از ملیت خود داراى حقوق و تکالیفى بعنوان یک انسان بوده و بیهمین جهت مورد شناسائى دولت خارجی واقع مى شود. اما اعطای شخصیت حقوقى به هر یک از جمعیتها و تشکیلات گروهى قبل از هر چیز عمل ناشى از اعمال حاکمیت دولت است. لذا این امر مى تواند مشروط به احراز شرایطى توسط حاکم (دولت) بشود. هر دولت اختیارداد تصمیم بگیرد که آیا یک شخص حقوقى خارجی اجسازه دارد ادعای وجود و یا شخصیت حقوقى در آن سرزمین داشته باشد یا خیر.

اگر شرکت بازرگانى مورد شناسائى واقع شود، بدنبال آن مسئله استقرار و ارائه خدمات آن مطرح مى گردد. شرکتى که این شرط را احراز نکند لزوماً "بدان معنی نیست که مى تواند در کشور خارجی استقرار یا بدو اقدام به انجام خدمات تخصصى نماید.ولى مسلماً" اگر به شخص حقوقى در کشورى اجازه استقرار و ارائه خدمات داده شود، قطعاً بدان معناست که شرکت مزبور مورد شناسائى نیز واقع شده است.

**ب - اقامتگاه:** کافى است شخص حقیقى اقامتگاه دائم یا طویل المدت خود را به صورت قانونى در کشور خارجی قرار دهد تا در آن قلمرو استقرار یافته تلقى گردد. برای تحقق

این امر در خصوص اشخاص حقوقی لازم است مرکز امور داری یا نهی و نه مرکز فعالیت شرکت به سرزمین بیگانه انتقال یابد<sup>(۱)</sup>. اما در شرایط فعلی حقوق ملل و بین الملل انتقال اقامتگاه شخص حقوقی به خارج در اکثریت قریب به اتفاق موارد به موانع غیر قابل عبوری برخورد می کند. شرکتها بعنوان واحدهای اقتصادی نقش مهمی در اقتصاد هر کشور ایفا می نمایند. بنا بر این هر دولت موظف است که کوشش لازم را در حفظ و تقویت آنها بعمل آورد.

برای حل این مشکل شرکتها در ممالک غیر، اقدام به تاسیس شرکت وابسته و یا شعبه می کنند. در اینجا، شناسائی، استقرار و تاسیس شعبه و شرکت تابعه از لحاظ مقررات بین المللی نسبت به شرکتها ی بازرگانی در جامعه اقتصادی اروپا مورد بررسی واقع می شود. بدین جهت لازم است ابتدا قواعد عمومی این کشورها و سپس مقررات ناشی از کنوانسیونهای اروپائی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

**فصل اول - قواعد عمومی :** طبقاً "در این قسمت لازم است ابتدا از شناسائی شخص حقوقی صحبت به میان آورد و سپس استقرار شرکتها را مورد دقت قرار داد.

**مبحث اول - شناسائی :** مشتمل بر دو مبحث است :

**اول شرایط شناسائی :** نظام حقوقی چند کشور عضو در این رابطه مطالعه می شود :

- فرانسه، رژیم اول قرن نوزدهم شناسائی شرکتها ی خارجی با احراز

---

(۱): مرکز امور داری یا مهمه شرکت محلی است که تصمیم گیری های شخص حقوقی در آنجا بعمل می آید و اوراق دعوی شرکت به آن محل ابلاغ می گردد (مستفاد از ماده ۵۹۰ قانون تجارت ایران). در مقابل، مرکز فعالیت شخص حقوقی، محل فعالیت های صنعتی، تجاری و یا کشاورزی آن بوده که ممکن است کیلومترها با مرکز امور داری شرکت فاصله داشته باشد.

شروط زیرقبول شده است :

- ۱- وجود رابطه حقوقی میان شرکت و کشور خارجی: این رابطه در مورد اشخاص حقیقی به ملیت تعبیر می شود. اما در خصوص شرکت های بازرگانی به تشکیل و قرارداد داشتن مرکز امور اداری آن در کشور بیگانه اطلاق می گردد<sup>(۱)</sup>. کافی نیست که شرکتی مطابق قواعد کشور تابعه بوجود آمده باشد، باید مرکز امور اداری واقعی این شخص حقوقی نیز در همان کشور و نه در کشور دیگری قرار گیرد. در غیر این صورت از لحاظ حقوق فرانسه، چنین شرکتی نه تابع کشور اول و نه تابع کشور دوم شناخته می شود. لذا قابل شناسائی نخواهد بود.
- ۲- در ثانی، شناسائی شرکت خارجی نباید مغایر نظم عمومی و امنیست اجتماعی باشد<sup>(۲)</sup>.

- در آلمان رابطه شناسائی از سخت گیری کمتری برخوردار است و تنها مرکز امور اداری حقیقی شرکت ملاک می باشد. توضیحا، در مورد هر شرکت، یک مرکز ثبت، یک مرکز امور اداری اعلامی هنگام ثبت و یک مرکز امور اداری حقیقی وجود دارد.

- در کشورهای بلژیک، لوکزامبورگ، ایتالیا<sup>(۳)</sup> و یونان نیز مرکز امور

(۱): مساده اِقا نون ثبت شرکت های ایرانی مصوب ۱۳۱۱- که ملهم از نظام حقوقی فرانسه است - هر شرکتی را که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد ایرانی محسوب می نماید.

(۲): مثل شرکتی که تحت نام تجارتنی مخصوصی، در واقع به قاچاق پورداخت رشوه به مقامات اقدام می کند.

(۳): اگر شرکتی در خارج از این کشورها ثبت گردیده، اما مرکز واقعی امور اداری خود را در سرزمین آنها قرار دهد، تحت حمایت جدید قرار گرفته و نوعی تابعیت اجباری کسب می نماید. کنوانسیون شناسائی متقابل شرکت میان کشورهای عضو با زار مشترک مورخه ۲۹/۲/۱۹۶۸ از این راه حل تا حدود زیادی الهام گرفته است.

اداری حقیقی در کشور خارجی ضابطه شناسائی شرکت مربوطه قرار دارد .  
- اما در سه کشور انگلیس ، دانمارک و ایرلند ، ملاک تابعیت شرکت فقط  
ثبت آن در کشور خارجی بدون توجه به اقامتگاه آن است (۱) .

البته در تمام این ممالک ، شناسائی شرکت خارجی منوط به  
عدم خدشه دار شدن نظم عمومی خواهد بود .

در یک جمع بندی می توان گفت که برای شناسائی یک شرکت  
خارجی در کشورهای با زار مشترک دوطرفه عمومی وجود دارد ؛ اول ، قاعده  
تابعیت که عبارت از رابطه میان شخص حقوقی و دولت متبوع آن است .  
این امر در برخی از کشورها با محل ثبت شرکت محقق شده و در برخی دیگر  
علاوه بر آن مرکز امور اداری نیز ملاک تابعیت قرار می گیرد . و دوم ،  
قاعده عدم منافات با نظم عمومی می باشد .

دوم - آثار شناسائی : مهمترین آثار شناسائی ، شخصیت حقوقی شرکت  
خارجی ، اعطای اهلیت تمتع و استیفا به آن است ، مشروط بر اینکه در  
کشور میزبان استقرار یافته باشد . مع هذا حدود این اهلیت را قوانین کشور  
اخیر تعیین خواهند کرد . مثلاً " اگر بر اساس قوانین مملکت محل استقرار ،  
شرکت های بیمه و بانک ها یا بیدیه صورت شرکت سهامی اداره شوند (مسئورد  
فرانسه ) ، شرکت های خارجی حق ندارند بعنوان اینکه در کشور متبوع آنها ،  
بانک ها و مؤسسات بیمه می توانند بیدیه صورت شرکت با مسئولیت محدود  
اداره شوند (مورد آلمان) در قلمرو جدید از حقوق بیشتری نسبت به شرکت های  
ملی برخوردار شوند .

---

(۱) : با پیدا نیت که اگر در کشور متبوع شرکت خارجی غیر از ثبت ، مرکز  
واقعی امور اداری نیز ملاک تابعیت باشد ، در کشورهای مذکور ، شرکت  
متخلف شناسائی نخواهد شد . زیرا بر اساس قوانین کشور اصلی  
تابعیت خود را احرار زنگرده است .

## مبحث دوم - استقرار شرکت‌های خارجی :

استقرار شرکت‌های خارجی در اروپا به دو صورت قابل تصور است :

استقرار اصلی و استقرار فرعی . در نوع اول ، مرکز امور اداری شرکت به کشور میزبان منتقل می گردد . و در نوع دوم به تاسیس شرکت وابسته و یا شعبه در خارج اقدام می شود .

اول - استقرار اصلی یا انتقال مرکز امور اداری : این امر در کشورهای بازار بسیار مشکل و حتی در بعضی از موارد غیر ممکن است . در آلمان چنین شرکتی قبل از انتقال مرکز امور اداری خود بخود ، بحکم قانون منحل می شود . در فرانسه ولو که امبورگ ، غیر از وجود موانع مالیاتی و غیره انتقال اقامتگاه شرکت به خارج موکول به عمل متقابل کشور میزبان به موجب یک کنوانسیون دو جانبه می گردد و معادل تغییر ملیت بشمار می رود . در انگلستان و ایرلند ، شرکت اجازه ندارد مرکز امور اداری خود را به خارج انتقال دهد .

دوم - استقرار فرعی یا تاسیس شرکت وابسته یا شعبه : برعکس مورد قبلی ، تاسیس شرکت وابسته و یا شعبه در تمام اروپا مورد عمل می باشد .

۱- شرکت وابسته - " شرکت وابسته " (۱) به شرکت مادر ، شرکت مستقل از آن می باشد که بر اساس قوانین کشور میزبان یعنی سرزمین مرکز امور اداری آن به ثبت رسیده است و بدین لحاظ شرکت خارجی محسوب نمی گردد . بنا بر این مسئله‌ای را بعنوان شناسائی مطرح نمی نماید (۲) . شرکت مادر کنترل و نظارت خود را بر اساس مالکیت قسمت مهمی از سرمایه شرکت وابسته

---

(1): Filiale

(۲): مگر ندرتاً در بعضی از موارد که نظارت و کنترل در یک شرکت ممالک تشخیص ملیت آن قرار دارد .

یا تماماً آن اعمال می‌کند. بنا بر این شرکت اصلی، مشکل انتقال مرکز امور اداری را به خاک بیگانه نخواهد داشت. با وجود این، تاسیس این قبیل شرکتها خالی از اشکال نیست:

- تشکیل شرکت وابسته مستلزم جابجائی سرمایه از یک کشور (سرزمین شرکت مادر) به کشور میزبان است. اما این نقل و انتقال گاهی اوقات به موجب بعضی از قوانین ملی محدود می‌گردد (۱).

- برای اعمال کنترل و نظارت بر شرکت وابسته، شرکت مادر معمولاً از طریق خرید سهام آن و کسب عنوان صاحب سهم اقدام می‌نماید. اما امکان دارد مقررات داخلی کشوری فقط در صورتی اجازه تاسیس به شرکت وابسته بدهد که اکثریت سهام آن متعلق به اتباع خود بوده، و یا داشتن کارت بازرگانی، یکی از شرایط مدیریت شرکت قرار گیرد. به این ترتیب قدرت تصمیم‌گیری و نفوذ شرکت مادر با مشکلاتی مواجه خواهد شد (۲).

۲- شعبه - خصوصیت شعبه (۲) آن است که برخلاف شرکت وابسته واجد شخصیت حقوقی مستقل نمی‌باشد. نتیجتاً اگر حکمی علیه شرکت مادر صادر شود علیه شعبه، برخلاف شرکت وابسته، قابل اجراست. ایجاد شعبه در کشورهای با زار مشترک تحت مقررات مختلفی قرار دارد. در آلمان تاسیس شعبه منوط به اجازه قبلی مقامات رسمی گردیده است. اما در فرانسه، بشرط رعایت مقررات آگهی در روزنامه‌ها محدودیتی برای شرکتهای خارجی وجود ندارد.

درفوق قواعد کلی و عمومی کشورهای عضو با اقتصاد نسبت

(۱): در کشورهای بلژیک، لوکزامبورگ، آلمان و هلند عمده‌آزادی سرمایه‌گذاری های خارجی پذیرفته شده است. در فرانسه و انگلستان این امر موقوف به کسب اجازه مخصوص می‌باشد.

(۲): این امر در کشورهای با اقتصاد اروپا به صورت مختلف مشاهده می‌شود.  
(3): Agence

به استقرار شرکت‌های بازرگانی مختصرا "شرح داده شد. این قواعد بعضا تحت تاثیر کنوانسیون‌های چندی در اروپا قرار گرفته و تغییراتی در چهارچوب بازار مشترک بشرح ذیل یافته است .

فصل دوم - حقوق ناشی از کنوانسیونها : این قواعد و ضوابط جدید در چهارچوب بازار مشترک ناشی از کنوانسیون‌های دوجانبه ، عهدنامه بنلوکس و کنوانسیون‌های چندجانبه می باشد .

مبحث اول - کنوانسیون‌های دوجانبه و پیمان بنلوکس : کنوانسیون‌های دوجانبه متعددی میان کشورهای مذکور وجود دارد . به موجب کنوانسیون ۱۹۲۷ بلژیک و فرانسه ، شرکت‌های مدنی ، تجاری ، صنعتی ، مالی و بیمه که در یکی از دو کشور ، مطابق قانون تاسیس یافته اند می توانند در کشور مقابل استقرار یا بند و شرکت وابسته یا شعبه ، نمایندگی یا آژانس دائر نمایند ( ماده ۵ ) . قبل از این تاریخ شناسائی عرفی شرکتها در دو کشور وجود داشت در حالی که نسبت به استقرار آنها مقرراتی پیش بینیشده بود . نظیر همین توافق را در کنوانسیون مربوط به کشتیرانی و استقرار شرکتها میان یونان و فرانسه و همچنین کنوانسیون لوکزامبورگ و فرانسه می توان جستجو کرد . کنوانسیون فرانسه و آلمان مورخ ۱۹۵۶ در این خصوص می گوید : شرکت‌های دو کشور می توانند آزادانه در قلمرو یکدیگر فعالیت کنند ، و از جمله اقدام به گشایش شعبه و یا دفتری آژانس نمایند مشروط بر اینکه قوانین و مقررات کشور میزبان رعایت گردد ( ماده ۷ پاراگراف ۲ ) (۱)

---

(۱) : منظورا از قوانین و مقررات ، قواعدی است که از قبل وجود داشته و یا بعد از کنوانسیون تدوین شود .

در عهدنا مه بنلوکس ، ماده ۵۸ بندا اول می گوید: عملیات شرکت‌های تجاری تاسیس یافته در یک کشور عضو کنوانسیون، در سرزمین کشور دیگر عضو، چه بطور مستقیم صورت پذیرد و چه بگونه غیر مستقیم یعنی از طریق شرکت وابسته و یا شعبه، تحت حاکمیت مقررات کشور میزبان خواهد بود. در این ماده نه تنها شرکت‌های هر سه کشور مورد شناسائی قرار گرفته اند بلکه استقرار آنها نیز مورد قبول واقع شده است. اما همین ماده مقرر می دارد که شرکت‌های مالک هم پیمان در کشور میزبان عضو، حداکثر دارای همان حقوقی هستند که شرکت‌های ملی مشابه دارند.

مبحث دوم - کنوانسیون‌های چند جانبه: یکی از این کنوانسیون‌ها، کنوانسیون بین المللی لاهه مورخ ۱۹۵۱ می باشد که مورد امضاء کشورهای بازار مشترک قرار گرفته است. از طرف دیگر کنوانسیون شورای اروپا به سال ۱۹۶۶ استراسبورگ را می توان نام برد. شناسائی شرکت‌ها در این دو مجموعه به دلیل وجود اختلاف عقیده در باب ضابطه تعیین تابعیت شرکت‌ها به نتیجه قاطعی نرسیده ولی در مورد استقرار، اعطای امتیاز به شرکت تابع کشور عضو منوط به فعالیت مستمر در قلمرو جدید گردیده است.

- برداشت کلی بخش اول و دوم: مطالعه نظام حقوقی حاکم بر اشخاص حقیقی و حقوقی در بازار مشترک اروپا نشان می دهد که تمام این ممالک در چارچوب ملی و اجزای عده عمومی هستند که گاهی مشابه یکدیگر بوده و زمانی هم نیز با هم اختلاف دارند. کنوانسیون‌های دویا چند جانبه میان کشورهای اروپای غربی اسباب یکنواخت شدن سیستم حقوقی آنها را فراهم آورده است. در چارچوب همکاری‌های جامعه اقتصادی اروپا هم سعی بر این قرار داشته تا حداقل الزام آوری بطور یکسان در مورد تمام کشورهای عضو در نظر گرفته شود.